

بسم الله الرحمن الرحيم

www.ketab.ir

سرشناسه	: قاصدی، محمدابراهیم، ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: قاصدک‌های نسیم انتظار/ نویسنده محمدابراهیم قاصدی.
مشخصات نشر	: خمین: محمدابراهیم قاصدی، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: دوازده، ۲۱ ص.
شابک	: 978-964-04-6167-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: ۱۲۸۹ ۳۲/۵۸۷الف/۱۷۱ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۵۱/۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۱۲۱۸۵۳

محمدابراهیم قاصدی

قاصدک‌های نسیم انتظار

صفحه آرای و خوشنویس: زهره مهابری

طراح کرافتی جلد: زهره مهابری

شابک: ۹-۶۱۶۷-۴-۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۶۱۶۷-۹

چاپ اول: بهار ۹۳

تیراژ: دویست و هزار جلد

تعداد صفحه: ۱۱۶ صفحه

قیمت: ۸۵۰۰۰ ریال

چاپ: باقری - قم

مرکز پخش: خمین - انعکاس شهر ۰۳۸۰۳۲۲۲۴۶ - ۰۸۶ و ۰۵۷۴۴۲۹۶۲۲۹ - ۰۸۶

کلیه حقوق مادی و معنوی چاپ، ترجمه و غیره برای مؤلف محفوظ است

به نام خدا

پیشفتار

یکی از جمله‌های ارزش‌آفرین عالمان و دانشمندان این عالم است که قدرت و وسع برای آگاه شدن دارد و این آگاهی را به حقایق جهان هستی را کشف و ادراک نموده و دایره شناخت خود را از علم بسامون گسترش دهد، اگر این امکان برای انسان نبود، مانند سایر موجودات بی‌ارزش و بی‌استاد و براساس شهوات و غرائز خود حرکت می‌کرد، ولی انسان به خلاف دیگر آفریده‌ها موجودی روحانی می‌باشد که همواره برای حوایج معنوی خود با ابزار عقل به تحصیل علم و کسب معرفت کوشیده و حاصل آن، تکامل و ترقی و تکامل تدریجی و زایش تمدن بشری است و هر قومی بنا به اعتقادات و ادب و آداب و سنن خود برای جامعه آرمانی کوشیده و طی طریق می‌کند، آنچه وجه حرکت و توسعه و تکامل بشری بوده کشف حقیقت است که همه کثرت‌ها را به وحدت انسان و همواره علم حق را در عالم هستی برافراشته میدارد، ما ایرانیان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و با پذیرفتن دین مبین اسلام و بهره‌گیری از دستورات



الهی برای تعالی روح انسانی خود و زندگی سالم و ثمربخش کوشیده و بر
 همگان محرز و واضح است که در عرصه های متنوع فرهنگی هضری از دیرباز
 تاکنون آثاری بدیل و ارزشمندی آفریده و در طول تاریخ پیشرو و پرچم دار
 حق بوده ایم. در این برهه از زمان که مهاجمه سوء فرهنگ های بیگانه با
 رسایل ارتباطی مدرن و اهداف غیر انسانی ابر قدرت ها به طرق مرموز سیاسی
 شتر به قلب معنویت جامعه اسلامی ما را نشانه گرفته ، وظیفه همگان
 است که همدمی و وفاق ملی به پاسداری از ارزش های اخلاقی جامعه
 ایرانی کوماسیم و ندای حق طلبانه خود را به گوش جهانیان رسانده و نام و
 یاد شهدای عاشق و حقیقت را زنده نگه داریم ، احساس این وظیفه، بنده
 حقیر را بر آن داشته که ملی هم بضاعت اندک، تفکرات و باورهای خود را
 خالصانه به رشته تحریر آورده ام است با ارشاد سخاوت مندانۀ شما
 خوانندگان ادیب در چاپ بعدی به قدر امکان از نواقص این دفتر کاسته شود.
 بهروزی و سربلندی انقلاب اسلامی ایران و مجاهد را در سایه ولایت فقیه
 و توجّهات امام عصر (عج) از خداوند متعال بابت ارم.

مطلع

ردیف

الف

- آنکه در این غائله بیدار بود..... ۳۴
- از این جاده خاکی..... ۹۹
- با منشین که وقت باز است..... ۲۹
- لایها الساقی سری بر چرخ مستان زن..... ۳
- ای پادشاه ما چثمی نما گدا را..... ۵۰
- ای رحمت تو در اوج پادشاهی..... ۵۳
- ای که با گلشن من آید آمده ای..... ۳۸
- ای که ما را می کشد هر دم به شمشیر خطا..... ۸۵
- ای همه روی تو محبوب و همه دست خوش..... ۴
- ای همه روی نگاهت رحمت و لای..... ۵

ب

- باز سپیده می دمد مژده ابتسام تو..... ۶۲
- با هزاران خرمی نوروز تابیدن گرفت..... ۵۸
- بخت گم گشته اگر ما را گذاری بکند..... ۱۳
- بس رفته که چون ستاره پیداست..... ۳۰
- بوسه شبنم شبخیز نگارد رخ بینایت..... ۶۸
- به آن طغرای ابرویت اسیرم..... ۳۱



به خیل واژگان در پی آزادی شدم ۹۰-۹۱

به سوی خانه ات پر می کشد باز ۷۱

رای تیغ برای قضای قدر ۶۵

تو ای صحرای بی پایان درویش ۵۵

جامیست جامیست از چشمه سلامت ۵۲

جانبی باقی ماند تا به روزی نوایی ۱۲

جان عزیزست غمت شرمش همه دم ۴۵

چ

چرخ فیروزه طربخانه دل بنیاد ۴۶

چشم دریا به سراپرده دیدار بود ۴۰

چنین گفت آن نیک مرد عزیز ۷۲-۷۳

چو من دل را نینم وای بر من ۸۱-۸۳

ح

حسن دلجوی تو هر دم که زما یاد کند ۴۲

حسن روی تو از این حسن خداداد چه دید ۱۱

حیات بوستان در جان گلریزان بجاست ۲۶

خام از روتق عشق کی برد سودی مدام ۶۹

خوشا بر سر هوای مهربانی داشتن ۲۵

خوشا دردی که در مانش تو باشی ۶

خوشا محراب و حس بی مثالش ۵۷

در آن وصال و بخت تاریکی شب ۹۸

در پس بخت کج خلقه اقوال چه است ۴۷

در خشت خست بر سرای کهن ۹۴-۹۵

در دایره قسمت او جمع حزن باشد ۵۶

در شبی طولانی و بی مهتاب ۸۸-۸۹

در گذار روزگاران پا برهنه بی نام سوادخت ۳۹

دست از طلب ندارم ای پادشاه دراز ۵۱

دلبری را دل عاشق کش عیار تو باد ۴۳

دل بی تو به لب گردید ای صاحب دانایی ۶۷

دل در این غوغا هوای آشنا کرد ۲۰

دل در قفس جانست با دام فریبایی ۶۶

دل از دوری در یاب گرفت ۶-۷



دوش خواب ناز دیدم غنچه‌ای ۸۰
دلی وارسته خواهیم و مجال خاکساری ۲۲

دل ما پرده تسلیم نجیب است ۶۳
روزی روزگاری رهروی ۹۲-۹۳

زخم یاد ما را فسانه ۱۷
زلف انبوسا طن شیفه خانه توست ۴۴
زنگار دل بشوید جان این بهاران ۲

س

سازی بزن که آهی تا بیکران تم ۴۹
سالیان دل پی آنست که غافل نباش ۹
سحر گفت به آهی عندلیب گرم خ ۱۰۰-۱۰۱
سر جانفشان آه از دل آسمان بیارد ۱۵
سرکوتهان بین و بالایت قلندر ۸۴
سرو چمان من چرا عزم وطن نمی کنی ۶۱
سرو خرم چون نباشی کی نشاط را دهند ۳۲
سینه افلاک را می کنی نالان چرا ۵
سیه شد نامه جهل ستمگر ۷۸-۷۹



مطلع

ردیف

ش

- شاهدان چون دلبری اذعان کنند ۱۸
شمیم روح پرور واژه مولا علیست (ع) ۱
شریست پر حریفان وز هر طرف سواری ۸
شاه تارک میخانه همانست که بود ۷۴-۷۵

ص

- ضجّه من نهی روح بیدار نمود خواب مرا ۸۷

ف

- فکر بلبل همه آن که کل یاد کند ۶۰

ق

- قصه پردازی نما بس پرده دار ۷۶-۷۷
قطره قطره باده باده مست مست ۱۹

ک

- کاش آن روز رسد غول جهالت برود ۴۱
کامی گرفت بلبل از گلشن پراز گل ۸۶
کوش تاروزی نگشاده ز قابل طلیم ۱۰
کی رسد آن دم که پنهان تورا پیدا شود ۲

گ

- گرد صحبت یار و لب خندانه گردیم ۷
گل بیتا دگر بین و بنه گوش ۲۸



- ۳۵ محبوب باغ احسان یادی کن از سیاهی
- ۲۴ مرا عهدیست با جانان که تا جان در بدن دارم
- ۱۶ مر حبا همدم ثابت قدم عالی مقام
- ۲۱ مهر خوبان را بسر دارم چو مه
- ۲۳ مهی دارم که دامانش هزاران ارغوان دارد
- ۲۷ می لب لعلش گواه هر سپیداری

- ۱۴ نفس در لبم ز سرمدیت باشد
- ۳۶ نی رنج و غم مزاند نی آباد خویش
- ۳۳ نیم شاد از فکر خود شاد

- ۷ هر دیده‌ای در این باغ چشم هنرمایست
- ۶۴ هنگام وصلست و ویران سنگر ماست
- ۵۴ هوا بس ناجوانمردانه در میخانه می سرود
- ۴۸ هیچ دم چون نفس شوخ نگهدار نیست